

این‌طور نیستند. به نظر من، هر قدر به علوم اجتماعی بیشتر توجه کنیم، ارتباطات قوی‌تر است و جامعهٔ بهتری داریم.

در کتاب سال اول ما، همهٔ مطالب به‌صورت کتابی و نظری است و متأسفانه کاربردی نیست. درس اصلی ما در رشتهٔ تجربی زیست‌شناسی است که ما از کتاب این درس راضی هستیم، ولی زیست‌شناسی در رفتار اجتماعی ما تأثیر ندارد.

○ **سردار:** علوم اجتماعی یعنی اطلاعاتی که یک اجتماع باید بداند. همین اجتماع را کجا می‌سازد؟ ما می‌سازیم؟ ببینید، زندگی ما را کنکور یا رشتهٔ درسی نمی‌سازد. ما می‌خواهیم در آینده در این اجتماع زندگی کنیم. متأسفانه، فردی که از سوم راهنمایی به اول دبیرستان می‌آید، در کتاب علوم اجتماعی با یک‌سری کلمات قلبیه سلنیه روبه‌رو می‌شود؛ مثل مطالب مربوط به حزبه‌ها، شیطان‌پرستی یا انجمن حجتیه. این مطالب چه ربطی به دانش آموز سال اول دبیرستان دارد؟ به‌خصوص که در سالهای بعد از انتخاب رشته، دیگر در مورد علوم اجتماعی چیزی نمی‌خوانیم.

● آیا فقط درس‌هایی مثل تاریخ ادبیات فارسی یا جغرافیا در

جامعه هدف در آموزش و پرورش، به یقین دانش‌آموزان‌اند. روح کنجکاو و تحرک و پویایی اجتماعی آن‌ها، نقطهٔ آغازینی است که می‌تواند آن‌ها را به قلهٔ پیشرفت و تعالی برساند و ما هم به میانشان رفتیم تا جای خالی علوم اجتماعی کاربردی را در آن‌ها ترسیم کنیم و به دست‌اندرکاران علم الاجتماع بگوییم که جامعه هدف چه انتظاری دارند؟!

● **آقای قدردان،** می‌خواهیم نظر شما را در مورد علوم اجتماعی و تأثیر آن بر رفتار شما یا دوستان شما بدانیم؛ تأثیر پذیری شما از درس‌هایی که خواندید.

○ **قدردان:** درس‌هایی که ما می‌خوانیم، فقط برای امتحان است و هیچ‌گونه تأثیری در زندگی ما ندارد.

○ **بحره:** ما بچه‌های تجربی و ریاضی فقط سال اول دبیرستان درس جامعه‌شناسی داریم که مطالبش هم به درد ما نمی‌خورد و کاربرد ندارد و مطالب آن به‌صورت کلی است. اما بچه‌های علوم انسانی

علوم اجتماعی کاربردی

میزگرد با دانش‌آموزان دبیرستان پسرانهٔ علامه حلی مشهد

زندگی مفیدند و درسهای تخصصی در زندگی به شما کمک نمی‌کنند؟

در سال اول جغرافیا دارد که مربوط به جمعیت است.

○ **ایزدی:** درسی مثل ادبیات می‌تواند در زندگی به ما کمک کند. چون بعضی از داستانهایش دربارهٔ اجتماع است من خودم اجتماعی نیستم، چون اجتماعی بودن را بلد نیستم. در کتاب اجتماعی سال اول هم مطلبی در این زمینه نیامده که به درد ما بخورد.

● **آیا درس ریاضی که شما می‌خوانید، ذهن شما را فعال نمی‌کند که بتوانید در خیلی از حوزه‌های اجتماعی موفق باشید؟ اثر ریاضی روی شما چه قدر است؟**

○ **ایزدی:** ریاضی روی اجتماع تأثیر ندارد.

○ **سردار:** به هدف شخص بستگی دارد که بتواند از ریاضی الگوبری کند و Xهای زندگی‌اش را پیدا کند.

● **رابطهٔ شما با معلمهای خودتان چگونه است؟**

○ **قردان:** ما با بعضی از معلمها راحتیم؛ مثل معلم ریاضی که ارتباط بهتری با او برقرار می‌کنیم. اما بعضی از معلمها خشک هستند

و نمی‌توان با آنها راحت بود. بستگی به اخلاق معلم دارد.

● **معلمهای شما ویژگیها و توانمندیهای لازم برای ارائهٔ درسها و برقراری ارتباط مؤثر با شما را دارند؟**

○ **بحره:** معلمهای ما بسیار متنوع هستند. در دورهٔ راهنمایی معلمها یک‌دست بودند. البته اگر معلمها یک‌دست نباشند، آنها را مجبور می‌کنند که یک‌دست باشند، چون مدرسه‌ها می‌خواهند از همه بالاتر یا بهتر باشند. یعنی نظام آموزشی مدرسه و ادارشان می‌کند که رابطهٔ بهتری برقرار کنند. اما در مدرسهٔ ما این‌طور نیست. می‌گویند معمولی باشید، چون مدرسه معمولی است. یک معلم هست که واقعاً دلسوز است و معلمی هم داریم که این‌طور نیست.

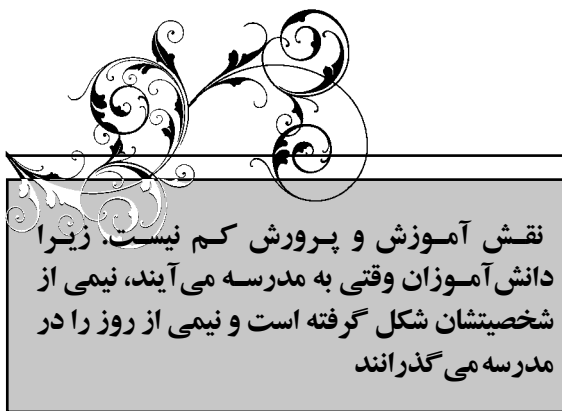
● **آیا دبیران توانمندی‌های لازم را دارند؟**

○ **بحره:** بله توانمندی دارند. البته اگر بخواهند؛ مهم خواستن است. البته جو کلاس هم بسیار مهم است.

● **آیا عدالت آموزشی در شهر مشهد رعایت می‌شود؟**

○ **سردار:** اگر معلم به ما دانش آموزان نمره بدهد، بسیار خوش حال می‌شویم و می‌گوییم معلم بسیار خوبی است و عدالت آموزشی وجود





نقش آموزش و پرورش کم نیست، زیرا دانش آموزان وقتی به مدرسه می آیند، نیمی از شخصیتشان شکل گرفته است و نیمی از روز را در مدرسه می گذرانند

● شما از نظام آموزشی انگلیس دقیقاً مطلع هستید؟

○ **بحره:** خب معلم فیزیک ما چند سالی آن جا بوده است و اینها را به عنوان انتقاد به آموزش و پرورش ایران می گوید و مقایسه می کند. به نظر من، ظرفیتی که ما داریم، مسلماً خیلی فراتر از یک کشور جهان سومی است. مسابقات علمی و المپیادها این موضوع را نشان می دهند. ساختار علمی یا آموزشی را به همه جهتها گسترش دهند. در کشور ما واقعاً بستر فراهم است و فقط به یک نظام آموزشی خوب و یک ساختار قوی نیاز است که پیشرفت کنیم.

○ **قدردان:** دغدغه های ما همین بلاتکلیفی هایی است که داریم، یا همین بی اطلاعی هاست. اطلاعات به ما داده نمی شود؛ مثل همین کنکور. تا همین چند سال پیش می گفتند سال ۱۳۹۰ کنکور حذف می شود. اما بعد گفتند سال ۱۳۹۲. این کار برنامه دقیق ندارد و هر دفعه یک چیز می گویند. مشکل من این است.

● دیگر مشکلی ندارید؟

○ **قدردان:** در کل شاید شرایط خوب باشد، چون ما بدون هیچ هزینه ای داریم درس می خوانیم. در صورتی که در جاهای دیگر دارند با هزینه های هنگفتی درس می خوانند شاید شرایط ما در کل خوب باشد.

○ **ایزدی:** متأسفانه در رشته ریاضی معلمها به آزمایشگاه بها نمی دهند. حتی در سطح مشهد هم آزمایشگاه کاملی وجود ندارد. تا نتیجه را خودمان به دست آوریم. کتابهای کمک درسی به نظر من نمی توانند کمک کنند.

○ **قدردان:** همین دانشجویان ما نمی توانند در ایران تحصیل کنند و می روند به هند یا مالزی و مدرک می گیرند. در صورتی که هزینه اش گران تر از این جاست. بعد برای کار کردن به ایران می آیند. آیا کسی که در ایران تحصیل می کند، وقتی از دانشگاه فارغ التحصیل می شود، بی کار می ماند. شاید دغدغه دوستان هم همین است. دغدغه بیشتر ما کنکور است. که ۲۵ درصد آن را به معدل ها اختصاص دادن خوب این چه کاری است امسال ۲۵ درصد و سال دیگر هم ۲۵ درصد که می شود ۵۰ درصد، نمره امتحان نهایی تأثیر داده می شود. این چه کاری است؟ شاید یکی برایش اتفاقی بیفتد یا پدرش فوت کند و نتواند درس بخواند. قبلاً خیلی بهتر بود. هر کسی درس می خواند و همه در یک روز طی یک کنکور چهار ساعته خودش را نشان می داد. این خیلی خوب بود. حالا که ۵۰ درصد، نمره امتحان نهایی در کنکور تأثیر دارد، نگرانیها زیاد شده است.

دارد. معلم می گوید ۲۰ کمتر باشید بیشتر به تو می دهیم خوب این عدالت درست است ولی آن تشویق کجا می رود.

● **البته این هم نوعی عدالت آموزشی است، ولی منظور من این نبود. منظورم این است که آن چه شما در مدرسه می خوانید مبتنی بر عدالت اجتماعی آموزشی است یا خیر؟**

○ **سردار:** این به خود دانش آموز بستگی دارد. ما در مدرسه خودمان دانش آموزی داریم که به مدرسه تیزهوشان هم می تواند برود، اما نمی رود. پس این به خود دانش آموز بستگی دارد، نه عدالت آموزشی. معلم ادبیات ما می گوید: تو مدرسه ات بهترین مدرسه باشد یا معلمت بهترین معلم، وقتی درس نخوانی به چه درد می خورد؟

راستش شاید در مدرسه نیمه دولتی بهتر درس بدهند، ولی آن شاگرد استفاده نکند و باز هم به دانش آموز ربط دارد.

○ **قدردان:** در مدرسه های شاهد و تیزهوشان بیشتر کار می شود تا مدارس معمولی دولتی و درسها سخت تر هم هستند. اما در مدارس دولتی این طور نیست. هم از نظر محل آموزشی، هم از نظر کتابهای آموزشی و هم از نظر معلمان کاملاً متفاوت است و عدالت آموزشی رعایت نمی شود.

○ **ایزدی:** به نظر من این طور نیست که عدالت نباشد، ما در مدرسه خودمان معلمهایی داریم که در مدرسه شاهد کار می کنند و همان کاری را که در آن جا انجام می دهند، در این جا هم انجام می دهند. چون همه چیز بستگی به دانش آموز دارد. اگر خودش بخواهد، می تواند.

○ **سردار:** مثل کسی که در روستاست و آن امکانات لازم را ندارد، ولی می خواهد نفر اول کنکور شود. این اتفاق می افتد، چون خودش می خواهد.

● به نظر شما این عدالت آموزشی است؟

○ **سردار:** نه منظور من این است که اگر کسی بخواهد می تواند به آن چه می خواهد برسد.

● دغدغه شما آقای سردار به عنوان دانش آموز چیست؟

○ **سردار:** دغدغه را چه چیز معنا کنیم؟

● نگرانیها، دل مشغولیهها، خواسته های ت؟

○ **سردار:** اگر دغدغه را بگذاریم هدف خوب، دغدغه من ورود به رشته پزشکی است.

○ **همدانی:** یعنی از نظر تحصیل هیچ مشکلی ندارید؟

○ **بحره:** در کشوری مثل انگلیس که کشوری پیشرفته محسوب می شود، دانش آموز با وسایل آزمایشگاهی کار می کند و با علم زندگی می کند. اما در کشور ایران این طور نیست. الان تغییر نظام آموزشی در دست اجراست. قرار است در سال ۱۳۹۳ کنکور برداشته شود. ما نمی دانیم برای کنکور مجدد فرصت داریم یا نه. اینها را شفاف نمی گویند. دانش آموز بعد از سال ۹۳ نمی داند ورود به دانشگاه براساس نمره امتحان نهایی است یا نه.



آموزش اجتماعی در داخل اجتماع اتفاق می‌افتد، نه در آموزش. این هر دو نظر، یک قوت و یک ضعف دارند. مثلاً تجربه کردند دیدند که اگر کتابهای علوم اجتماعی با مسائل اجتماعی وارد مدارس شود، خیلی تغییر رفتار ایجاد می‌شود، اما شکل آموزه‌های اجتماعی با کتابهای درسی اجتماعی

متفاوت است. در آموزش و پرورش ما هم همین‌طور است. کتاب علوم اجتماعی را برای علوم ریاضی گذاشته‌اند تا دانش‌آموزان ریاضی با مسائل اجتماعی آشنا شوند و یک‌بعدی بار نیابند. فقط پزشک خوبی نشوند. چون پزشک بعداً با مردم سروکار دارد و باید بلد باشد چگونه با مردم ارتباط برقرار کند. اما محتوای کتاب این‌طور نیست. چون علوم محض اجتماعی است، به دردشان نمی‌خورد و نیازشان را برطرف نمی‌کند.

● لطفاً آخرین حرفها را بفرمایید.

○ **ایزدی:** در مدرسه یا جامعه‌ای که هستیم، نمی‌شود رابطه اجتماعی برقرار کرد. چون خود من یک ترسی دارم. ممکن است یک دوست ناباب باشد. من در مدرسه خودمان خیلی کارهای بد می‌بینم که متأسفانه با آنها زیاد برخورد نمی‌شود. از کنار آنها می‌گذرند و آنها را پی‌گیری نمی‌کنند.

○ **همدانی:** از دبیرانت راضی هستی؟

○ **ایزدی:** بله راضی‌ام.

○ **قدردان:** باید معلمها و نظراتشان را اصلاح کنند تا یک‌دست شوند.

○ **همدانی:** باید سنجید.

○ **سردار:** باید فرهنگ‌سازی کنیم. نه از آموزش و پرورش درست می‌شود نه از پدر و مادر. اول باید رسانه را درست کنیم؛ آن هم به دست بزرگان در بلندمدت.

○ **بحره:** نظام آموزش ما خوب هست، اما می‌تواند بهتر هم باشد. جا برای پیشرفت دارد. علوم اجتماعی مثل مدیریت بسیار مهم است. در حال حاضر علوم اجتماعی که ما در دانشگاهها می‌خوانیم، برگرفته از علوم غربی است. بیشتر آنها تفکرات کهن غربی هستند. تفکرات آنها دینی نیستند، اگر هم باشند، ما خیلی از آنها جلوتریم.

● در رابطه با مسائل اجتماعی و دوستانان چه نظری دارید؟

○ **بحره:** خیلی از هم‌سن و سالهای ما، شخصیتشان با کار زشت و حرف زشت شکل گرفته است که اجتماع را خراب می‌کنند. از این قبیل افراد هم در جامعه ما کم نیستند. البته رفته‌رفته جامعه ما بهتر می‌شود و در آینده همه‌چیز بهتر می‌شود. مسلماً از لحاظ بار علمی هم بهتر می‌شود. ولی در حال حاضر جامعه ما مطلوب نیست.

● نقش آموزش و پرورش در این مطلوبیت چیست؟

○ **بحره:** نقش آموزش و پرورش کم نیست. زیرا دانش‌آموزان وقتی به مدرسه می‌آیند، نیمی از شخصیتشان شکل گرفته است و نیمی از روز را در مدرسه می‌گذرانند. یعنی سال اولی که آمدیم به دبستان، نصف روزمان در مدرسه گذشت. این می‌توانست تأثیر بسیار زیادی بر تمام ۲۴ ساعت دیگر بگذارد. مثلاً اگر چیز خوبی در مدرسه یاد می‌دادند، آن را وارد زندگی خود می‌کردیم. اگر چیزهای خوبی یاد می‌دادند که کاربردی بود، بسیار عالی می‌شد.

○ **سردار:** یک مثال برایتان بزنم. شما وقتی یک فنر داشته باشید و به آن فشار وارد کنید، دارای انرژی زیادی می‌شود اما اگر رهاش کنید، انرژی آزاد می‌شود. چرا دانش‌آموز رشته تجربی به یک مسئله طبیعی در زیست‌شناسی توجه نمی‌کند، اما وقتی درباره یک موضوع جنسی می‌خواند، می‌خندد و شاد می‌شود. یا علاقه‌اش در زیست‌شناسی به یک مسئله خاص زیادتر است. در سالهای پیش من رفیقی داشتم که دانش‌آموز متعادلی بود، اما پدرش پول‌دار بود و امسال می‌بینم که هم‌موهایش را سیخ می‌کند هم سیگار می‌کشد.

● **نمی‌خواهیم بگوییم که بچه‌ها بد هستند. می‌خواهیم دغدغه شما را به‌عنوان یک جوان برای آینده بدانیم.**

○ **سردار:** دغدغه ما برای آینده، کار و پول است.

● **یعنی مدرسه خوب آموزش و درس می‌دهد؟ نظام آن چگونه است؟**

○ **سردار:** خب یک معلم ممکن است خوب آموزش بدهد و از نظام آموزشی تعریف کند، اما ممکن است یک معلم از نظام آموزشی بدش بیاید و از آن انتقاد کند.

● **دل‌نگرانی شما چیست؟**

○ **قدردان:** آینده، شغل، درآمد.

● **ان‌شاءالله که موفق باشید.**

○ **همدانی:** طبق فلسفه آموزش، در حوزه آموزش یک‌سلسله نیازهای کلی وجود دارد که باید به آنها پاسخ داد. درست مثلاً دوستان ما در علوم ریاضی که نیاز دارند، یک سلسله اطلاعات را به آنها بدهند. کدام اطلاعات؟ آن اطلاعاتی که به درد زندگی اجتماعی یا آینده‌شان بخورد. اغلب کشورها اشتباه می‌کنند که درباره علوم اجتماعی محض صحبت می‌کنند.

آنها ریز مسائل را مطرح نمی‌کنند، چون تغییر می‌کند و نمی‌توان به‌عنوان آموزش از آنها استفاده کرد. اما بعضی از کشورها می‌گویند